

Research Paper**The effect of art education on creativity, analysis and learning power of elementary students from the perspective of teachers and principals**Raziyeh Mahjor¹, Maryam Hafezian^{2*}

1. MSc. Department of Educational Management, Bijnoord branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Management, Bijnoord branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

Received: 19/02/1401

Accepted: 03/06/1401

Pp:71-87

Use your device to scan and read the article online

DOI:

10.30495/ee.2022.1960643.1100

Keywords:

Teaching art, creativity, analysis power, learning, elementary students, teachers and principals

Abstract**Introduction:** In the present study, the effect of art education on creativity and the power of analysis and learning of elementary students from the perspective of teachers and principals was investigated in the form of a causal model.**research methodology:** The statistical population of this research composed of teachers and principals of the first to sixth grade girls' schools in Bojnord city, in the academic year of 2020-2021, as 705 people, among which 254 people were selected by simple random sampling method. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. After confirmation of validity by experts in this field, the total reliability of the questions was calculated to be 0.89. Data analysis was performed through processing and structural modeling using SPSS26 and Amos24 softwares in two descriptive and inferential sections.**Findings:** The results of direct relations between the research variables in the proposed model indicated that in the whole sample all path coefficients were statistically significant.**Conclusion:** Also, in the final research model, art education has a positive and significant effect on the power of analysis, creativity and learning.

Citation: Mahjor, Raziyeh., Hafezian, Maryam.2022. The effect of art education on creativity, analysis and learning power of elementary students from the perspective of teachers and principals, Journal of Transcendent Education, Vol 2, No2, Summer 2022, Pp 71-87

Corresponding author: Maryam Hafezian**Address:** Department of Educational Management, Bijnoord branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran**Email:** ma.hafez@yahoo.com

مقاله پژوهشی

تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت، قدرت تحلیل و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران

راضیه مهجور¹، مریم حافظیان^{2*}

1. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران
2. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: در پژوهش حاضر تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت و قدرت تحلیل و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران در قالب یک مدل علی مورد بررسی قرار گرفته است

روش شناسی پژوهش: جامعه آماری این تحقیق متشکل از معلمان و مدیران مقطع ابتدایی مدارس دخترانه اول تا ششم شهر بجنورد بود که در سال تحصیلی 1400-1399 به تعداد 705 نفر که از این تعداد 254 نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود. بعد از تأیید روایی توسط متخصصین در این حوزه، پایایی کل سؤالات 0/89 محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق پردازش و مدل‌سازی و با استفاده از نرم‌افزار spss26 و Amos24 در دوبخش توصیفی و استنباطی صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی نشان داد که در کل نمونه تمامی ضرایب مسیر از لحاظ آماری معنی‌دار بودند. نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی نشان داد که در کل نمونه تمامی ضرایب مسیر از لحاظ آماری معنی‌دار بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: در مدل نهایی پژوهش، آموزش هنر بر قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری اثر مثبت و معنی‌داری دارد.

تاریخ دریافت: 1401/02/19

تاریخ پذیرش: 1401/06/03

شماره صفحات: 71-87

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید

DOI:

10.30495/ee.2022.1960643.1100

واژه‌های کلیدی: آموزش هنر، خلاقیت، قدرت تحلیل، یادگیری، دانش‌آموزان ابتدایی، معلمان و مدیران

استناد: مهجور، راضیه، حافظیان، مریم، 400*، تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت، قدرت تحلیل و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران، فصلنامه علمی آموزش و پرورش متعالی، دوره دوم، شماره دو، شماره صفحات 71-87

* نویسنده مسئول: مریم حافظیان

نشانی: استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

پست الکترونیکی: ma.hafez@yahoo.com

نهاد آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای دارای کارکردهای مختلفی است. یکی از این کارکردهایی که مبین بخش مهمی از هدف‌های این نهاد است، تلاش در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان است، آنچه که اصطلاحاً تربیت هنری نامیده می‌شود (Amini, 2018: 51). لفظ «هنر» باریشه سانسکریت، از دو کلمه «سو» به معنای هر چیز خوب و نیک که فضایل و کمالاتی بر آن مترتب است و «نر» یا «نره» به معنای زن و مرد تشکیل شده است. این واژه وارد زبان فارسی شده و در «اوستا» به شکل «هونر» در آمده که از صفات اهورامزدا به معنای خوب و نیک است. در فارسی میانه یا پهلوی و پس از آن در دوره اسلامی، به صورت «هنر» و به معنای انسان کامل و فرزانه و هم به معنای کمال و فضیلت آمده است. در لغت نامه دهخدا، هنر به معنای علم، معرفت، دانش، فضل، فضیلت، کمال، کیاست، فراست و زیرکی است. در «دایره المعارف هنر» به فعالیت‌هایی چون نقاشی، طراحی، گرافیک، پیکره‌سازی، معماری، موسیقی، شعر، تئاتر، سینما و... هنر می‌گویند (kargozar, Qabouk & Al-Daghi, 2019: 114). (Eisner, 2002) یکی از مهم‌ترین گام‌ها را برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی، تدارک جایگاهی معقول برای هنر در برنامه درسی می‌داند. گویی که آموزش هنر باید به بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه (خواندن، نوشتن و حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده‌اند، به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه (4thR) در برنامه درسی مورد تأکید قرار گیرد و بی‌مهری و انزوای تاریخی و سنتی از آن زدوده شود (mehrmoammadi, 2014). اهمیت کارکرد فوق‌متأثر از این واقعیت است که آموزش هنر و تربیت هنری در رشد و بروز استعدادها و قابلیت‌های شناختی، عاطفی و مهارتی دانش‌آموزان نقش و تأثیری سازنده دارد. این تأثیرات البته به دلیل وجود قابلیت‌های ذاتی و نهفته در قلمرو هنر است، چراکه هنر تجسم خلاقیت انسان و حس زیبایی‌شناسایی اوست. درس هنر فرصتی را برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت، تسهیل یادگیری درس‌های دیگر، بیان آزادانه احساسات، کشف مشکلات عاطفی و رفتاری، ابراز وجود و ارایه تجربه‌های شخصی، تلطیف عواطف، تشریح مساعی فکری، توسعه ارزش‌ها و نظایر آن فراهم می‌آورد. آموزش هنر دارای کارکردهای بسیار مهمی است که می‌تواند شخصیت فرد را برای اجتماعی‌زیستن و دقیق و حساس بودن پرورش دهد. از همین رو آموزش هنر به کودکان و آشنا کردن آنها با انواع هنرهای رایج که بر پایه طبیعت درونی و طبیعت بیرونی متنوع اطراف‌شان بنا شده باشد، دارای اهمیت و ضرورت تام است (karimi, 2018: 7). کودکان دبستانی باید بتوانند مهارت‌های پایه را فراگیرند، نیازها و خواسته‌های خود را به دیگران بفهمانند، اندیشه‌ها و احساسات دیگران را بفهمند، و در ایجاد ارتباط انسانی و روابط عاطفی با دیگران، دست یافتن به فرصت‌های بیشتر یادگیری، فراگرفتن مهارت‌های حرکتی و برخورداری از نشاط و شادمانی موفقیت کسب کنند. به این وسیله است که آنها قادر به رشد شخصیت و قدرت آفرینندگی خود خواهند بود. در این باره، فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی هنر نخستین گامی است که در جهت آموزش مهارت‌های اساسی برداشته می‌شود و موقعیت‌های یادگیری پر باری را برای همه آنها فراهم می‌سازد. در سایه پرورش تفکر و تخیل آنان، اندیشه و هنر جدیدی تولید می‌شود و با فهم معنای مستتر در تولید هنری با ویژگی‌های پیش‌گفته، احساس شوق، شغف و رضایت درونی حاصل می‌شود (kargozar et al., 2019: 114).

قرن ما، قرن موفقیت‌های علمی و فنی است، زمانی که پهنای گیتی به روی انسان گشوده می‌شود، پرورش تصور خلاق در کودکان و هدایت انسان به قدرت درک و تشخیص رویدادهای اطراف اهمیت ویژه‌ای دارد (abbasalizadeh & Esmailpour, 2017: 98). خلاقیت به عنوان یک نیاز عالی بشری در تمام ابعاد زندگی انسان مطرح است و عبارت است از تحولات دامنه‌دار و جهشی در فکر و اندیشه انسان (jahanian, 2016: 176). خلاقیت یعنی یافتن راهکارهای تخیل‌آمیز و نوآورانه برای تک‌تک کارهایی که انجام می‌دهیم، یعنی نگاه کردن به همه چیز به چشم فرصتی برای به وجود آوردن چیزی که تاکنون وجود نداشته است، به امید بالابردن کل عالم هستی، (Cowley, 2015)، چهار عنصر را برای خلاقیت برشمرده است که ماهیتی آموزشی دارند: سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط عنصر سیالی به کمیت یا تعداد ایده‌ها، انعطاف‌پذیری به تنوع و گوناگونی ایده‌ها، ابتکار به منحصر به فرد بودن یا غیر معمولی بودن ایده‌ها و بسط به جزییات ایده‌ها مربوط می‌شود. مرور پژوهش‌های خلاقیت نیز بیانگر آن است که خلاقیت در ترکیب عناصر اصلی خود (یعنی سیالی، انعطاف‌پذیری و ابتکار) تحت تأثیر آموزش افزایش یافته و به‌ویژه توانایی ابتکار از جهش محسوس بر خوردار می‌شود (javaheripour et al., 2020: 3).

درک هنرها و به‌کارگیری صحیح شیوه‌های تربیت هنری می‌تواند در توسعه نظام مدرسه‌ای و رشد شایسته کودکان مؤثر باشد. به‌عبارت دیگر، آموزش هنری به‌عنوان یک حوزه گسترده و پویا در شکل‌گیری فعالیت‌های آموزشی در یک نظام مدرسه‌ای می‌تواند، آثار و نتایجی را خلق کند که شاید در کمتر حوزه‌ای از برنامه‌های درسی بتوان آنها را جست‌وجو کرد. بنابراین برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران سن شروع دوره ابتدایی، 6 سال تمام است برنامه‌های درسی سه سال اول دوره ابتدایی به صورت منعطف با عنایت به توانایی‌ها و تفاوت‌های دانش‌آموزان تدوین و در آن آموزش‌های پیش‌نیاز و جبرانی ویژه کودکان مناطق محروم و دو‌زبانه پیش‌بینی می‌شود.

شود (Elementary Art Curriculum Guide, 2011). برنامه درسی هنر^۱ از برنامه‌هایی است که نیازمند توجه بیشتر در مدارس است و واضح است که این همه در راه تعالی انسان و رسیدن به یک زندگی و درک بلند از هستی است. هنر در دوره دبستان، یکی از مسایل چالشی برنامه درسی است و آموزش هنری در رشد مهارت‌های تفکر، خلاقیت، نگاه به ارزش‌ها و شکل‌گیری زاویه دید و نگاه و رویکرد افراد بسیار مهم است (Hosseinzadeh, 2014:32). (mehrmoammadi, 2014:110) از رویکرد دیسیپلین محور به منزله نگرشی جامع تر نسبت به آموزش و یادگیری هنر نام می برد که با عملکرد تخصصی و مجموعه‌ای از روش‌های ویژه، امکان مطالعه چهار حوزه را فراهم می‌آورد. بر این اساس، تصمیم‌هایی که در آموزش هنر گرفته می‌شوند، بیشتر مبتنی بر هنر جو هستند. برای مثال، در زمینه درگیر کردن دانش‌آموزان با خلق اثر هنری با استفاده از ابزارها و رسانه‌های مختلف، نقد کردن و مطالعه پیشینه امکان تجربه منحصر به فردی (تجربه زیبایی شناختی) را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

- رویکرد پرورش خلاقیت: رویکرد اصلی تربیت هنری در دوره ابتدایی، پرورش خلاقیت است. خلاقیت یکی از ویژگی‌های فطری انسان است و انسان‌ها همیشه به ابراز وجود و بیان اندیشه‌های خود نیاز دارند. امروزه علم روان‌شناسی نشان داده پرورش خلاقیت با آموزش‌های مناسب امکان پذیر است. باید گفت که این درس در بین سایر درس‌ها بیشترین زمینه را برای پرورش خلاقیت دارد و ویژگی‌هایی از قبیل سیالی، انعطاف‌پذیری، بسط و گسترش تجربه‌ها، سازگاری، تخیل، پشتکار را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد.

- رویکرد یادگیری مشارکتی: یکی دیگر از رویکردهای تربیت هنری دوره ابتدایی «یادگیری مشارکتی» است. بچه‌ها از طریق مشارکت فعال در محیط آموزش موضوعات گوناگونی را یاد می‌گیرند. برای این کار ضمن در نظر گرفتن علاقه و استعداد آن‌ها، باید به آن‌ها مسئولیت داد تا در برنامه ریزی‌ها مشارکت کنند و در مورد اجرای برنامه‌ها احساس مسئولیت کنند و برای به دست آوردن موفقیت بیشتر تلاش کنند. حتی به انجام کارهای مشکل‌تر راغب می‌شوند (abbasalizadeh & Esmailpour, 2017:106).

کودکان دبستانی اغلب به طور طبیعی کنجکاو هستند و دوست دارند که به طور خلاقانه مسایل را یاد بگیرند تا اینکه اطلاعات از پیش آماده شده توسط والدین و معلمان را بیاموزند (Sortiji Okarkai & Rastegarpour, 2011). کودکان به برنامه‌های درسی که آن‌ها را با تجربه‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه کرده و هیجان زده نماید، نیاز دارند و اجرای چنین برنامه‌ای مستلزم وجود معلمان خلاق است. به عبارت دیگر دانش‌آموزان خلاق به معلمان خلاق نیاز دارند (Kazempour, 2016:75). معلمانی که بتوانند محیطی را فراهم نمایند که ضمن برخورداری از نظم و ترتیب، برانگیزاننده تخیل و تجسم، کنجکاو و ماجراجویی باشد (Jean, 2013)، در فضایی که شرایط عاطفی و روانی لازم برای پرورش خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان وجود دارد می‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت تا پدیده‌ها را از جنبه‌های مختلفی مورد دقت و توجه قرار دهند. از طرفی صاحب نظران حوزه برنامه درسی، یکی از کارکردهای مهمی که به آموزش هنر نسبت می‌دهند پرورش تفکر خلاق در یادگیری است. اندیشمندان و پژوهشگران زیادی به تأثیر آموزش هنر در پرورش خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند (Fountain, 2007). دیویی^۲ فیلسوف بزرگ پراگماتیست در کتاب هنر به عنوان تجربه، هنر را دارای دو بعد خلاقانه و زیبایی شناختی می‌داند و معتقد است این دو جنبه هنر را نمی‌توان از هم متمایز کرد و به هم وابسته‌اند. آموزش هنر در نظام آموزشی باعث پرورش و افزایش سطح خلاقیت عمومی و یادگیری دانش‌آموزان می‌شود (Kazempour, 2016:75). توجه به نقش و آثار متفاوت هنری کمابیش در آثار فلاسفه و صاحب نظران دوره‌های بعد نیز به چشم می‌خورد. در عین حال، پشتوانه‌های تجربی و تحقیقاتی فراوانی هم در مورد ابعاد و نقش‌های گوناگون تربیت هنری وجود دارد. یافته‌های (Newton & Donkin, 2011) ضمن اینکه مؤید تأثیر هنر بر خلاقیت هستند، بیان می‌کنند که محیط‌های آموزشی برانگیزاننده خلاقیت، باعث افزایش قدرت ایده پردازی و اعتماد به نفس می‌شوند. پژوهش (Grierson, 2011) نشان داد که این قابلیت در هنرهای تصویری وجود دارد که به عنوان موتور محرکی برای هدایت مسیر خلاقیت و نوآوری در مدرسه باشند. البته لازمه این تأثیرگذاری پرداختن به نقادی هنری و نه صرفاً آموزش هنر است. تحقیق (Karami & Abedi, 2017) بیانگر آن بود که کارکرد اساسی هنر، تأثیرگذاری بر حوزه‌های مختلف شناختی، تربیت معنوی و رشد فضایل اخلاقی، رشد احساسات و عواطف، پرورش خلاقیت و آفرینش‌گری، توسعه ارتباطات اجتماعی و شکل‌دهی به هویت فرهنگی در مخاطبان است. تحقیق

¹ Art Curriculum

² Dewey

(Gholamrezaie et al., 2015) نشان داد که تدریس با روش خلاقیت محور در درس هنر باعث افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود.

یادگیری یکی از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین مباحث روان‌شناسی است. فرهنگ، آموزش و پرورش، آداب و رسوم و راه و رسم زندگی هر ملتی در پرتو یادگیری شکل و نظم مشخصی به خود گرفته است. در واقع پیشرفت‌های علمی، ادبی، هنری، اجتماعی، اقتصادی آموزش‌های دینی، اخلاقی و مانند اینها بر اثر پیشرفت‌های یادگیری راه کمال پیموده اند. در جهان امروز هر کشوری که نظام یادگیری و آموزشی پیشرفته‌تری دارد نیرومند تر و کامیاب تر است. یادگیری پایه و مایه اساسی رفتار و کردار آدمی است. یادگیری ممکن است در جهت سازندگی جامعه و سازگاری با آن باشد و یا به عکس در مسیر خلاف آن به کار افتد. مورد نخست را یادگیری مثبت و دومی را منفی می‌خوانند. در یادگیری چه مثبت و چه منفی، اصل بر این است که فرد توانمند و کارآمد بار آید. به طور کلی هدف فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، دینی و اخلاقی تربیت افراد به سوی سازندگی، سازگاری، همکاری، نیکوکاری و پرهیزکاری است. موقعیت یادگیری را باید یک سیستم در نظر گرفت. زیرا محصول آن از فعالیت‌های کلاس، تعامل میان معلم و محصلان و منابع و روش آموزش نتیجه می‌شود. مطالعه آگاهانه و مسئولانه روان‌شناسی در تربیت و روان‌شناسی یادگیری و آموزش می‌تواند معلم را در همه جنبه‌های مذکور راهنمایی و یاری کند. ضمناً معلم باید یادگیرنده، فرایندهای یادگیری و موقعیت یادگیری را همچون سیستم یا نظام در نظر بگیرد. یعنی به این واقعیت همیشه توجه داشته باشد که میان آن سه تعامل یا تأثیر متقابل وجود دارد و عناصر متشکل آن، یک واحد به شمار می‌روند. کودک، رفتار نامطلوب را همانند رفتار مطلوب، یاد می‌گیرد. بنابراین اگر بخواهیم رفتار مطلوب را یاد بگیرد باید او را در محیطی قرار دهیم که فقط امکان یادگیری رفتار مطلوب را داشته باشد. آرایه الگوها یا سرمشق‌های نامطلوب فقط به عنوان عبرت انگیز بودن، یادگیری رفتار مطلوب را نتیجه نمی‌دهد بلکه حتماً باید سرمشق الگوهای مطلوب را آرایه داد. بنابراین از تلویزیون همیشه باید الگوهای خوب و مطلوب را پخش کرد (Shoarinejad, 2015).

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های یادگیری، قدرت تحلیل می‌باشد. هر چه ادراک و دریافت بهتر باشد، یادگیری و یادآوری مطالب نیز آسان تر می‌شود. برای درک بهتر باید هدف و انگیزه داشت. مطالعه بدون هدف و پیش زمینه همچون گردابی است که فرد را در خود گرفتار می‌کند. مسأله قدرت تحلیل بنیادی‌ترین و در عین حال ریشه‌ای‌ترین راه برای علاقمند کردن دانش‌آموزان به خواندن و پیشرفت دانش‌آموزان در همه دروس و همه موقعیت‌هاست چون تا فراگیر نتواند تحلیل کند و آن را درک کند نمی‌تواند از آن لذت ببرد و در جواب دهی به آن و حل مسایل توانمند شود (Sharafi, 2009). قدرت تحلیل، توانایی تجسم، بیان، تحلیلیدن یا حل مسایل ساده یا پیچیده با اتخاذ تصمیمات معقول بر مبنای اطلاعات موجود است. این مهارت‌ها شامل استفاده از تفکر منطقی برای شکستن مسایل پیچیده به اجزای کوچکتر آن است (Laalaghani, 2020: 39). (Heur, 1999) بیان می‌کند که: «تحلیلی فکر کردن یک مهارت است، مثل نجاری یا رانندگی. می‌تواند تدریس شود، یاد گرفته شود و با تمرین کردن بهبود یابد. اما همانند خیلی از مهارت‌های دیگر مانند دو چرخه سواری، با نشستن در کلاس درس و شنیدن اینکه چگونه انجام می‌شود، قابل یادگیری نیست. تحلیلگران با عمل کردن، مهارت پیدا می‌کنند». برای آزمون قدرت تحلیل ممکن است از فرد خواسته شود تا در تبلیغات به دنبال تناقضات بگردد، یک سری از حوادث را در آرایش مناسب قرار دهد، یا مقاله‌ای را به صورت منتقدانه مطالعه کند. مصاحبه‌ها و آزمون‌های استاندارد معمولاً شامل یک ستون تحلیلی است که نیازمند استفاده از آزمون دهنده از منطق خود جهت جداسازی یک مشکل و به دست آوردن راه حل است (Seif, 2014). ذهن با مقایسه شروع می‌کند و به دنبال دست‌یابی به رابطه‌ها است (نقاط اشتراک و نقاط اختلاف)، تجزیه می‌کند تا سرچشمه رابطه‌ها، تعداد و نوع آن‌ها را به دست آورد، با کشف یک سری از رابطه‌ها به سوی ترکیب و تجرید می‌رود تا تصاویر یا مفاهیم مورد نیاز خود را تولید کند. "تحلیل" کشف روابط بین اجزاء و رابطه هر جزء با کل و رابطه هر کل با دیگر کل‌ها است. (رابطه بین دو چیز یعنی: کمیت و کیفیت اثر گذاری و اثر پذیری بین آن دو) به زبان هستی‌شناسانه، «تحلیل»، اتحاد روحی با لایه و مرتبه‌ای از طیف وجودی یک شیء است. براساس هویت تحلیل، سطوح قدرت تحلیل تابع میزان کشف ارتباطات موضوع با کل هستی است (شبه‌هستی) (Seif, 2014). اولین فعالیت ذهن، تصویر برداری از واقعیات و نگهداری این تصاویر در حافظه است (تصور اولیه): مرحله دوم، برقرار کردن رابطه بین مفاهیم موجود یا از پیش دانسته شده است (تحلیل اولیه)، در این قسمت فرد با درک رابطه معلومات خود با دیگر موضوعات می‌خواهد دست به عمل بزند و از معلومات خود برای جهت‌دهی و اثر گذاری در فعالیت‌های عملی خود استفاده کند. در اینجا سومین مرحله تحلیل که برقرار کردن رابطه با عمل است، محقق می‌شود (تحلیل کاربردی)، وقتی محتویات ذهنی و فکری به عالم عمل و تجربه وارد شد باید خود را با قوانین حاکم بر هستی هماهنگ کند و گرنه قابل استفاده نخواهد بود و در موقعیت خیالی خود باقی می‌ماند. ضرورت هماهنگی با قوانین خلقت سبب می‌شود که آنچه در ذهن بی‌عیب و نقص دیده می‌شود، در بسیاری از موارد مشکل ساز بشود و نقایص یا ضررهایی را از خود بروز دهد و عمل انسان را با شکست مواجه سازد، بروز این‌گونه ناهنجاری‌ها و نقایص، ذهن را به سوی بازنگری نسبت به محتوای فکر سوق می‌دهد، این بازنگری که با انجام عملیات تجزیه و تحلیل اجزاء و ارتباطات آنها صورت می‌پذیرد، مرحله چهارم تحلیل را شکل می‌دهد که تشخیص رابطه میان

اجزای موضوع با یکدیگر و رابطه اجزاء با کل موضوع است (تحلیل تحلیلی)، در بسیاری از موارد پس از تجزیه موضوع به اجزای تشکیل دهنده آن و تحلیل روابط بین اجزاء، اجزاء و ارتباطات جدیدی شناخته می‌شوند که باید با یکدیگر ترکیب شوند و یک کل را تشکیل دهند، تا تصور صحیحی از موضوع به دست آید (تحلیل ترکیبی). نظر معلمان درباره یادگیری در طرز کار آنها تأثیر فراوان دارد. معلمانی که اصول و مبانی یادگیری را درست تشخیص دهند، بهتر می‌توانند در تعلیم و تربیت افراد اقدام کنند. در جریان یادگیری نقش اساسی به عهده معلم است. شاگرد فقط باید به سخنان معلم گوش کند و مطالب درسی را به خاطر بسپارد. در جریان یادگیری شاگرد فعالیتی از خود نشان نمی‌دهد و بیشتر حالت پذیرندگی و انفعالی دارد. جریان یادگیری امری دایمی است و نسبت به افراد مختلف فرق می‌کند. حیات هر فرد در زمینه اجتماعی، عقلانی، عاطفی و تا اندازه‌ای بدنی مربوط به قدرت یادگیری آن فرد و وابسته به تغییراتی است که فرد از طریق یادگیری در خود به وجود می‌آورد. توجه به اصول یادگیری در فعالیت‌های تربیتی شرط اساسی موفقیت مریبان است. در جریان یادگیری کل شخصیت فرد دخالت دارد؛ یعنی جنبه‌های بدنی، خصوصیات روانی و هدف‌ها و تمایلات فرد و نحوه ارتباط آنها با هم که کل شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد، تأثیر دارد چون وضع هر یک از افراد از لحاظ بدنی، روانی، تمایلات و هدف‌ها با دیگران متفاوت است. روی این اصل، جریان یادگیری در افراد مختلف متفاوت است. علاوه بر شخصیت فرد به‌طور کل، موقعیت یادگیری نیز در جریان یادگیری مؤثر است. در اصل یک کنش محرک - پاسخ است. بدون وجود محرک‌های خارجی که عضوهای حسی را متأثر می‌کنند، یادگیری انجام نمی‌شود. فرایند یادگیری باعث سازگاری موجود زنده می‌شود و به او کمک می‌کند تا خود را با محیط سازگار کند. یادگیری برای اینکه اعمال خاصی را انجام ندهیم، مثل وقتی یاد می‌گیریم که به بعضی از جنبه‌های محیط پاسخ ندهیم یا وقتی یاد می‌گیریم از انجام اعمالی که درد آور یا زیان آور است، خودداری کنیم، به سازگاری کمک می‌کند (Bagherifar et al., 2018:3).

یکی از مهم‌ترین وظایف دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشور ما، تربیت افرادی است که وجودشان سرشار از خلاقیت در زمینه‌های مختلف باشد تا این افراد بتوانند در آینده بار مهمی از وظایف و مسئولیت‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی جامعه را به دوش بکشند و یکی از مهم‌ترین مکان‌هایی که در آن می‌توان افراد خلاق بار آورد، محیط‌های آموزشی و به ویژه مدارس هستند و معلمان از جمله افرادی هستند که می‌توانند با تفکر خلاق سبب بروز خلاقیت دانش‌آموزان گردند و بر عکس می‌توانند با اعمال شیوه‌های نامناسب سبب عقیم ماندن خلاقیت آنان شوند (Keyzouri et al., 2017:3). مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان فراهم کردن شرایط و امکانات لازم برای بالا بردن سطح شناخت، تقویت خلاقیت، قدرت بررسی و نقد تحلیل در آنهاست. یکی از راه‌های تحقق این امر، آموزش صحیح هنر به دانش‌آموزان است. از جمله هنرهایی که می‌تواند به اهداف مورد نظر سرعت ببخشد هنرهای تجسمی است به خصوص نقاشی و کار دستی. رشد قوه حافظه و زیبا شناسی و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان از مسایل مبرم مدارس کنونی است درس هنرهای تجسمی همچون سایر درس‌ها اهمیت زیادی در پرورش این ویژگی‌ها دارد (abbasalizadeh & Esmailpour, 2017:98). همان‌گونه که آموزش به‌طور کلی، منفعتی را برای افراد و جامعه به دنبال دارد، آموزش هنر نیز برای افراد و جامعه مفید است. وجود این منافع، بنیاد سیاست‌های دولت برای حمایت از آموزش هنرهای خلاق در مدارس را تشکیل می‌دهد، زیرا کمک‌های مالی دولتی بیش از هر عرصه آموزشی برای مدارس ضروری است. اما به نظر می‌رسد که در برخی مواقع، ارایه آموزش در حوزه‌های موسیقی، نمایش، ادبیات و هنرهای تجسمی به کودکان در سنین پایین مزایای فردی و اجتماعی زیادی در پی ندارد. به همین دلیل ممکن است آموزش هنر در برنامه درسی مدارس به حاشیه رانده شود و بیش از آنکه یک ضرورت به حساب آید نوعی تجمل قلمداد شود. پژوهش‌های بنیادی و کاربردی فراوانی درباره نقش هنرهای خلاق در آموزش کودکان در سنین پیش‌دستانی و نوجوانی انجام شده است. مزایای فردی حاصل از آموزش هنرهای خلاق به کودکان که تا کنون مشخص شده شامل موارد زیر است:

▪ لذت بردن از فعالیت‌های خلاقانه و پر معنا، آزادی در خود ابرازی مهار نشده، کشف خود، توسعه مهارت‌های مورد علاقه، مانند یادگیری موسیقی؛

▪ القای روش‌های تفکر خلاقانه و نوآورانه با هدف بهبود عملکرد فرد در سایر حوزه‌های درسی مانند ریاضی و علوم؛

▪ بهبود تعامل اجتماعی، افزایش بردباری و درک دیگران، ارتقای ظرفیت همکاری و کار گروهی؛ تمامی این پیشرفت‌ها حاصل فعالیت‌های خلاقانه افراد در حوزه‌های مختلف هنری است.

▪ ایجاد زمینه برای تجربیات هنری و فرهنگی غنی‌تر و متنوع‌تر در آینده؛ ترویج احساسات زیبایی‌شناختی، درک و اهمیت هنر و فرهنگ در موجودیت انسان‌ها (Trasbi, 2014:15).

با توجه به اهمیت و حساسیت دوران کودکی، لازم به ذکر است که در این میان نقش و تأثیر فعالیت‌های هنری کودکان، به‌ویژه در سال‌های پیش از دبستان و دبستان، بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا کودکان از طریق کاربرد این فعالیت‌ها، حالات درونی و ابتکارات خود را بروز می‌دهند و از تجربیات و تخیلات خود الهام می‌گیرند. فعالیت‌های هنری در افزایش تجربیات کودکان مؤثر بوده و موجب تشویق و

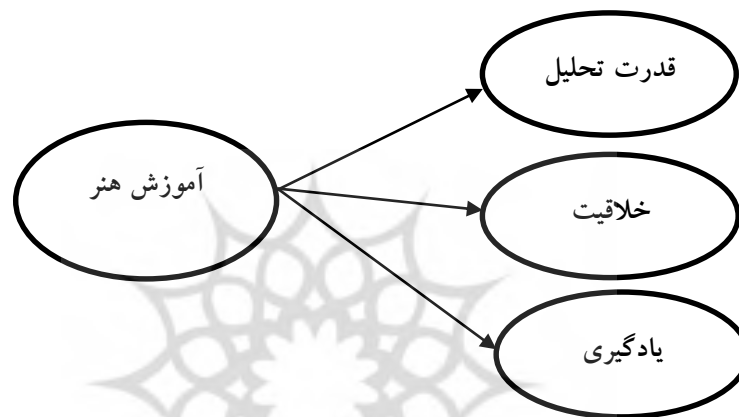
تحریک آنان به سوی کارهای نو و خلاق می‌شود و باعث می‌شود آنان نقش واقعی خود را در جهان یافته و شخصیت خود را نیز پرورش دهند (Rokni et al., 2015:175). فعالیت‌های هنری توجه کودکان را هم به محصول و هم به فرآیند جلب می‌کند و بیان آنها را شکل می‌دهد؛ به طور کلی ذهن کودک را قوی و انتزاعی‌تر می‌کند و انعطاف‌پذیری روحیه آنان و اعتماد به نفسشان را بالا می‌برد. شناخت گرایان و رفتارگرایان فعالیت‌های هنری را وسیله سازگاری، انطباق، شناخت، اقتدار حسی و حل مسأله در دوران کودکی می‌دانند. روانکاوان نیز هنر را وسیله ای برای حل تعارض‌های غالب در طول مراحل رشد و راهی برای ایجاد مکانیزم دفاعی بهتر و ابزاری برای خودشکوفایی و خلاقیت این دوره می‌دانند (Zadehmohammadi, 2016:25).

پژوهش جواهری پور و همکاران (Javaheripour et al., 2020) نشان داد که برنامه درسی رسمی آموزش هنرهای تجسمی در رشد خلاقیت دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی مؤثر است. کارگزار و همکاران (kargozar et al., 2019) به بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی در ایران و ژاپن پرداختند. هدف از این پژوهش این بود که ضمن بررسی عمیق برنامه درسی هنر در ایران و ژاپن، هدف‌ها، اصول، رویکردها، محتوا، چگونگی اجرا، ارزشیابی و سایر ویژگی‌های آنها را به گونه‌ای منطقی به تصویر بکشد. به طور کلی، نتایج مقایسه و ارزیابی نشان داد که اساساً تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما در مقایسه با کشور ژاپن، از یک سو با محدودیت‌های نظری و فکری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی دست به گریبان است. پژوهش باقری فر و همکاران (Bagherifar et al., 2018) نشان داد، یادگیری اساس رفتار افراد را تشکیل می‌دهد از طریق یادگیری فرد با محیط خود آشنا می‌شود، در مقابل محیط ایستادگی می‌کند، از محیط برای تأمین احتیاجات خود استفاده می‌نماید، گاهی محیط را تحت تسلط و فرمان خود در می‌آورد و زمانی خویشتن را با آن سازگار می‌سازد. حیات هر فرد در زمینه اجتماعی، عقلانی، عاطفی و تا اندازه ای بدنی مربوط به قدرت یادگیری آن فرد و وابسته به تغییراتی است که فرد از طریق یادگیری در خود به وجود می‌آورد. توجه به اصول یادگیری در فعالیت‌های تربیتی شرط اساسی موفقیت مریبان است. عباسعلی زاده و اسماعیل پور (abbasalizadeh & Esmailpour, 2017) در پژوهشی به بررسی تأثیر هنر در میزان رشد و خلاقیت دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداختند. در این پژوهش از رهیافت توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شد. نتایج نشان داد، جامعه اسلامی ما بیش از هر زمان دیگر به افراد هوشمند و خلاق نیاز دارد. هر اندازه جهانی که در آن زندگی می‌کنیم پیچیده تر می‌شود نیاز به شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق و آفریننده نیز بیشتر و بیشتر می‌گردد. به همین دلیل مسأله خلاقیت از مهم ترین مسایل آموزش و پرورش است. پاکیزه (Pakizeh, 2015) به بررسی پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر شیوه آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان پسر سال اول دبستان پرداخت. نتایج حاصل از آزمون تی برای گروه‌های مستقل نشان داد که آموزش به روش تلفیقی هنر در مقایسه با روش سنتی، منجر به افزایش سیالی، بسط، اصالت و انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان می‌شود ولی تأثیر معناداری بر یادگیری دانش‌آموزان ندارد. با توجه به تنوع و انعطاف‌پذیری فرآیند آموزش در روش تلفیقی هنر، نظام آموزشی کشور می‌تواند با گسترش این روش آموزشی به ویژه در مقطع دبستان، زمینه را جهت تربیت دانش‌آموزانی خلاق و دارای انگیزه درونی برای یادگیری فراهم نماید. پارکر (Parker, 2018)، تأثیر آموزش هنرهای بصری را بر مهارت‌های تفکر خلاق دانش‌آموزان دبیرستان بررسی کرد. این پژوهش دارای سه گروه بود: گروهی درس «مروری بر مقدمات هنرهای بصری» و گروه دیگر درس «مقدمات موسیقی» را در طول یک سال تحصیلی گذراندند و گروه سوم به عنوان گروه کنترل هیچ آموزشی در زمینه هنرهای بصری دریافت نکرد. نتایج این پژوهش نشان داد که دو گروهی که آموزش‌های هنری را دریافت کرده بودند از خلاقیت بالاتری نسبت به گروه کنترل برخوردار بودند. همچنین گروهی که درس مقدمات هنرهای بصری را گذرانده بودند نتیجه ی بهتری نسبت به گروهی که آموزش موسیقی دیده بودند، در آزمون خلاقیت نشان دادند. هیتز و مورفیلد لانگ (Heather & Moorefeild- Lang, 2018) به بررسی رابطه آموزش هنر با انگیزش تحصیلی، خوداثربخشی و خلاقیت دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی پرداختند. در این پژوهش که با رویکرد کیفی انجام شد از دو روش مشاهده و مصاحبه استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد آموزش هنر برای دانش‌آموزان همراه با خوشحالی، سعه صدر و سخت‌کوشی و امید در مدرسه همراه است. ارتقای خلاقیت و رشد مهارت همکاری گروهی از جمله پیامدهای آموزش هنر بودند. یورک وینی (Yorke viney, 2007) در تحقیقی به بررسی اثر آموزش هنرها بر پیشرفت تحصیلی، خلاقیت و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان پرداخت. این پژوهش به مقایسه دانش‌آموزان سال پنجم از دو مدرسه ای که وجه تمایز آنها فعالیت‌های هنری گسترده و محدود بود پرداخت. آزمون خلاقیت تورنس و پرسشنامه مفهوم خود نیز برای اندازه گیری مؤلفه‌های مورد نظر به کار رفتند. این مطالعه نشان داد افرادی که در مدارس که آموزش‌ها و فعالیت‌های هنری گسترده ای را ارائه می‌دهند، تحصیل می‌کنند نسبت به گروه دیگر پیشرفت تحصیلی بالاتری در دروس ریاضیات و خواندن دارند. به علاوه خلاقیت و مفهوم خود گروه نخست بیشتر و بهتر از گروه دوم گزارش شد. در همین راستا پژوهش حاضر به تأثیر آموزش هنر در قدرت تحلیل،

یادگیری و خلاقیت دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخت. با توجه به مبانی نظری، پیشینه و شکل (1) مدل مفهومی پژوهش، لذا فرضیه‌های زیر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند:

فرضیه اصلی: رابطه ساختاری آموزش هنر با قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران برآزش دارد.

- 1- آموزش هنر بر قدرت تحلیل در دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر دارد.
- 2- آموزش هنر بر خلاقیت در دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر دارد.
- 3- آموزش هنر بر یادگیری در دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر دارد.
- 4- بین آموزش هنر و دیدگاه معلمان و مدیران رابطه مستقیم وجود دارد.
- 5- بین دیدگاه معلمان و مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد.
- 6- بین دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد.
- 7- بین دیدگاه معلمان و مدیران و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد.



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل عامل تأییدی مرتبه دوم می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل معلمان و مدیران مقطع ابتدایی مدارس دخترانه اول تا ششم شهر بجنورد در سال تحصیلی 1399-1400 به تعداد 705 نفر بود. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده 254 نفر در نظر گرفته شد و پرسشنامه‌ها توزیع گردید. لازم به ذکر است از کل پرسشنامه‌ها (254)، بیش از 54 پرسشنامه به علت ناقص بودن، کنار گذاشته شد و 200 پرسشنامه مبنای کار قرار گرفت. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل یک پرسشنامه محقق ساخته بود. پرسشنامه دارای 45 سؤال و دارای 4 زیر مقیاس آموزش هنر، خلاقیت، قدرت تحلیل و یادگیری بود. در این رابطه برای بررسی تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت، قدرت تحلیل و یادگیری از نظرات پاسخگویان در منطقه مورد نظر به گزینه کاملاً مخالفم ارزش 0، به گزینه مخالفم ارزش 2، به گزینه متوسط ارزش 3، گزینه موافقم ارزش 4 و به گزینه کاملاً موافقم ارزش 5 داده شده است و با توجه به تعداد فراوانی گزینه‌ها، میانگین ارزش گویه‌ها از طریق این طیف به دست آمده است. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت 5 گزینه ای بود. هم‌چنین جهت اعتباریابی پرسشنامه از تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. شاخص‌های برآزش نشان داد، $PCFI=0/757$ ، $PNFI=0/742$ ، $CMIN/DF=2/513$ ، $RMSEA=0/048$ ، $IFI=0/969$ ، $GFI=0/961$ و $CFI=0/969$ الگوی چهار عاملی مورد قبول بود. محاسبه ضریب آلفای کرونباخ جهت پایایی 0/89 محاسبه گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS نسخه 26 و Excel2013 و در بخش آمار استنباطی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعمیم نتایج از معادلات ساختاری به کمک نرم افزار AMOS نسخه 24 استفاده شد.

یافته‌ها

در این پژوهش 200 نفر از معلمان و مدیران مقطع ابتدایی با میانگین سنی $39/66 \pm 7/31$ سال مورد بررسی قرار گرفت. از نظر جنسیت 188 نفر (94 درصد) زن، از نظر سطح تحصیلات 145 نفر (72/5 درصد) لیسانس و از نظر سابقه کاری 86 نفر (43 درصد) بیشتر از 15 سال بودند.

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در آزمودنی‌ها:

جدول 1- شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
آموزش هنر	6/68	2/24	-0/005	-0/771
قدرت تحلیل	34/21	5/26	0/066	1/838
خلاقیت	46/76	8/02	-0/960	1/082
یادگیری	28/07	4/62	-0/431	-0/410

جدول (1) اطلاعات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مربوط به متغیرهای آموزش هنر، قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری گزارش شده است. میانگین متغیرهای آموزش هنر، قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری به ترتیب دارای میانگین و انحراف استاندارد (2/24) 6/68، 34/21(5/26)، 46/76(8/02) و 28/07 (4/62) می‌باشد. جدول (2) اطلاعات مربوط به همبستگی پیرسون بین آموزش هنر، قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری را نشان می‌دهد.

جدول 2- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	1	2	3	4
1. آموزش هنر	1			
2. قدرت تحلیل	0/276**	1		
3. خلاقیت	0/393**	0/324**	1	
4. یادگیری	0/311*	0/350**	0/776**	1

**P<0/01

با توجه به نتایج ماتریس همبستگی، بین متغیرهای پژوهش رابطه مستقیم، مثبت و معناداری وجود دارد ($P<0/01$). در این بخش برای پاسخ به فرضیات مطرح شده از معادلات ساختاری مبتنی بر روش کوواریانس نرم افزار AMOS نسخه 24 استفاده شده است و پارامترهای مدل به روش بیشینه درستمایی (ML) برآورد شدند. جهت آزمون الگوی پیشنهادی رابطه بین آموزش هنر، قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران از روش الگوی معادلات ساختاری استفاده شد. الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر در مجموع 4 متغیر دارد که یک متغیر به عنوان متغیر پیش‌بین (مستقل) و سه متغیر به عنوان متغیر ملاک (وابسته) می‌باشند. برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها براساس شاخص‌های برازندگی از جمله مجذور خی¹ به عنوان شاخص برازندگی مطلق در جدول (3) گزارش شده است. هر چه مقدار مجذور خی از صفر بزرگتر باشد، برازندگی مدل کمتر می‌شود. مجذور خی معنی‌دار، تفاوت معنی‌دار بین کوواریانس‌های مفروض و مشاهده شده را نشان می‌دهد. با وجود این، چون فرمول مجذور خی، حجم نمونه را در بر دارد، مقدار آن در مورد نمونه‌های بزرگ متورم می‌شود و معمولاً به لحاظ آماری معنی‌دار می‌گردد. به این دلیل بسیاری از پژوهشگران مجذور خی را نسبت به درجه آزادی آن (مجذور خی نسبی (CMIN/DF)²) مورد بررسی قرار می‌دهند. در شاخص مجذور کای نسبی مقادیر نزدیک به 2 و کمتر به عنوان ملاکی قراردادی

برای برازندگی مدل به حساب می‌آیند. برای بررسی شاخص‌های برازش مدل از چندین شاخص دیگر شامل شاخص برازش نرم پارسیمونس (PNFI)^۱، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)^۲، شاخص برازش مقایسه‌ای پارسیمونس (PCFI)^۳، شاخص برازش افزایشی (IFI)^۴، شاخص نیکویی برازش (GFI)^۵ و ریشه میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA)^۶ استفاده و در جدول (3) گزارش شده است. برای بررسی فرضیات پژوهش قبل از استفاده از روش معادلات ساختاری، پیش فرض‌های این روش مورد بررسی قرار گرفت.

پیش فرض‌ها

1. داده پرت چند متغیری: برای بررسی عدم وجود داده‌های پرت چند متغیری، شاخص d^2 ماهالانویس، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از 0/05 حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت مورد نظر است. براساس این شاخص، داده پرت وجود نداشت.

2. نرمال بودن تک متغیری: در بررسی نرمال بودن تک متغیری، وضعیت توزیع متغیرهای مشاهده موجود در مدل یعنی متغیرهای اصلی پژوهش با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت. براساس نظر کلاین (2005)، قدرمطلق مقدار کجی کوچکتر از 3 و قدرمطلق مقدار کشیدگی کوچکتر از 10، نشان از عدم وجود مشکل داده‌ها از نظر نرمال بودن تک متغیری می‌باشد. جدول (1) شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار قدرمطلق کجی برای هیچ کدام از متغیرها، بزرگتر از 3 نیست. هم‌چنین مقدار قدرمطلق کشیدگی برای هیچ کدام از متغیرها، بزرگتر از 10 نیست. بنابراین براساس نظر کلاین (2005)، می‌توان گفت انجام این تحلیل از نظر نرمال بودن تک متغیری اشکالی ندارد.

3. نرمال بودن چند متغیری: برای بررسی نرمال بودن چند متغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا^۷ و نسبت بحرانی استفاده شده است. بنابر پیشنهاد بنتلر (1995)، مقادیر کوچکتر از 5 برای نسبت بحرانی به‌عنوان عدم تخطی از نرمال بودن چند متغیره در نظر گرفته می‌شود. چنانچه نسبت بحرانی حاصل از ضریب مردیا از میزان 5 کمتر باشد به معنی آن است که پیش فرض نرمال بودن چند متغیره رعایت شده است. در این پژوهش ضریب مردیا 0/923 و نسبت بحرانی 0/452 به دست آمده که کمتر از عدد 5 می‌باشد. بنابراین فرض نرمال بودن چند متغیری برقرار است.

جدول 3- شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی و اصلاح شده پژوهش حاضر

شاخص‌های برازندگی الگو	χ^2	df	p-value	CMIN /Df	RMSEA	PNFI	CFI	PCFI	IFI	GFI
الگوی پیشنهادی	186/422	77	0/00	2/405	0/084	0/514	0/865	0/630	0/870	0/877
الگوی اصلاح شده	163/106	77	0/00	2/121	0/075	0/563	0/935	0/690	0/939	0/909

فرضیه اصلی: رابطه ساختاری آموزش هنر با قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران برازش دارد. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی اصلی مورد بررسی قرار گرفت. برازش الگوی اولیه براساس شاخص‌های برازندگی معرفی شده ارزیابی شدند. با وجود اینکه مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی نظیر نسبت کای کویر به درجه آزادی و RMSEA نشان دهنده برازش قابل قبول الگوی پیشنهادی با داده‌ها می‌باشند، برای ارتقای برازندگی الگوی پیشنهادی، در گام بعدی با آزاد کردن

¹ Parsimonious Normed Fit Index

² Comparative Fit Index

³ Parsimonious Comparative Fit Index

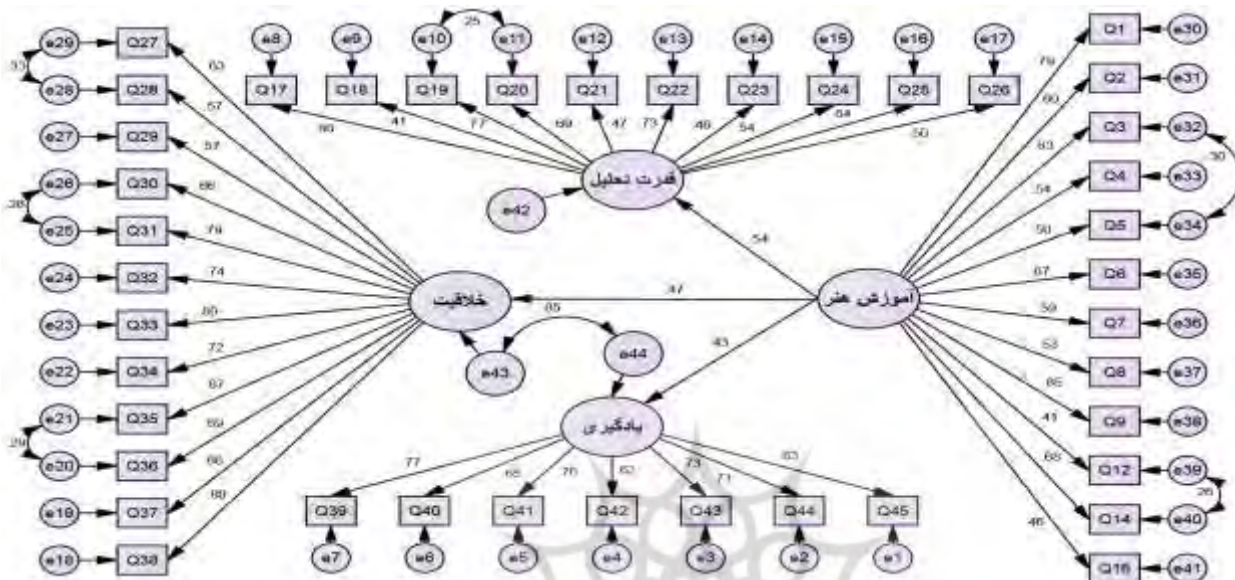
⁴ Incremental fit index

⁵ Goodness of Fit Index

⁶ Root Mean Square Error of Approximation

⁷ Mardia's normalized multivariate kurtosis value

تعدادی از خطاهای کوواریانس، الگوی نهایی پژوهش صورت گرفت. شاخص‌های برازندگی این الگوها در جدول (3) نشان داده شد. شاخص R^2 میزان واریانس تبیین شده متغیرهای نهفته درونزا را نشان می‌دهد. ضریب تعیین متغیر قدرت تحلیل 0/39 می‌باشد که نشان می‌دهد آموزش هنر می‌تواند 39 درصد از تغییرات قدرت تحلیل دانش آموزان ابتدایی را پیش بینی کند که این میزان در حد متوسط می‌باشد. همچنین ضریب تعیین متغیرهای خلاقیت و یادگیری به ترتیب 0/269 و 0/190 بود و نشان می‌دهد آموزش هنر می‌تواند به ترتیب 27 درصد و 19 درصد از تغییرات خلاقیت و یادگیری دانش آموزان ابتدایی را پیش بینی کند که این میزان در حد متوسط می‌باشد. جدول (4) نیز ضرایب استاندارد مسیرها و شکل (2) الگوی اصلاح شده را نشان می‌دهد.



شکل 2. ضرایب استاندارد مدل اصلاح شده رابطه ساختاری آموزش هنر با قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری دانش آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران

بنابراین با توجه به شاخص‌های برآورد شده، نشان می‌دهد رابطه ساختاری آموزش هنر با قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری دانش آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران برآورد دارد. در شکل (2) اعداد روی مسیرها، وزن‌های مسیر یا بتاها هستند. با استناد به جدول (4) می‌توان ضرایب استاندارد کلیه مسیرها در الگوی پیشنهادی را مشاهده کرد.

جدول 4- ضرایب استاندارد مسیرهای الگوی پیشنهادی

مسیر	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری (P)
آموزش هنر ---> قدرت تحلیل	0/537	0/205	6/342	0/000
آموزش هنر ---> خلاقیت	0/474	0/338	5/113	0/000
آموزش هنر ---> یادگیری	0/435	0/280	4/414	0/000

از میان این ضرایب، بالاترین ضریب (0/537) به مسیر آموزش هنر به قدرت تحلیل اختصاص دارد. نتایج حاصل از روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که در کل نمونه تمامی ضرایب مسیر از لحاظ آماری معنی‌دار بودند. در مدل نهایی پژوهش رابطه بین متغیر آموزش هنر با قدرت تحلیل، خلاقیت و یادگیری، مثبت و معنی‌دار بود. بنابراین، براساس ضرایب استاندارد و مقادیر بحرانی ارایه شده در جدول (4) همه مسیرهای مستقیم معنی‌دار هستند ($P < 0/05$).

فرضیه اول: آموزش هنر بر قدرت تحلیل در دانش آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران تأثیر دارد. براساس نتایج مندرج در جدول شماره (4) ضریب مسیر اثر آموزش هنر بر قدرت تحلیل، برابر 0/537 محاسبه شده است که مقدار t آن 6/342 می‌باشد که بالاتر

تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت، قدرت تحلیل و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران

از 1/96 است. لذا فرض صفر رد و فرض مقابل با اطمینان 95 درصد پذیرفته می‌شود و می‌توان بیان داشت آموزش هنر بر قدرت تحلیل اثر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه دوم: آموزش هنر بر خلاقیت در دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران تأثیر دارد. براساس نتایج مندرج در جدول (4) ضریب مسیر اثر آموزش هنر بر خلاقیت، برابر 0/474 محاسبه شده است که مقدار t آن 5/113 می‌باشد که بالاتر از 1/96 است. لذا فرض صفر رد و فرض مقابل با اطمینان 95 درصد پذیرفته می‌شود و می‌توان بیان داشت آموزش هنر بر خلاقیت اثر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه سوم: آموزش هنر بر یادگیری در دانش‌آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران تأثیر دارد. براساس نتایج مندرج در جدول (4) ضریب مسیر اثر آموزش هنر بر یادگیری، برابر 0/435 محاسبه شده است که مقدار t آن 4/414 می‌باشد که بالاتر از 1/96 است. لذا فرض صفر رد و فرض مقابل با اطمینان 95 درصد پذیرفته می‌شود و می‌توان بیان داشت آموزش هنر بر یادگیری اثر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه چهارم: بین آموزش هنر و دیدگاه معلمان و مدیران رابطه مستقیم وجود دارد. برای بررسی این سؤال از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول 5- بررسی رابطه بین آموزش هنر و دیدگاه معلمان و مدیران در جامعه

آموزش هنر و دیدگاه معلمان و مدیران	آماره t	میانگین	انحراف معیار	میزان معناداری	اختلاف میانگین	
					بالا	پایین
	4/288	0/556	0/186	0/00	0/056	0/08
						0/030

با توجه به جدول (5) از آنجایی که سطح معناداری کمتر از 0/001 و مقدار آماره تی بیشتر از 1/96 می‌باشد و باتوجه به اینکه حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می‌باشد، این به معنای بزرگتر بودن میانگین این متغیر از عدد 0/5 است. لذا فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت: بین آموزش هنر و دیدگاه معلمان و مدیران رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین دیدگاه معلمان و مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد. برای بررسی این سؤال از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول 6- بررسی رابطه بین دیدگاه معلمان و مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی

دیدگاه معلمان و مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی	آماره t	میانگین	انحراف معیار	میزان معناداری	اختلاف میانگین	
					بالا	پایین
	18/969	3/896	0/668	0/00	0/896	0/989
						0/803

با توجه به جدول (6) از آنجایی که سطح معناداری کمتر از 0/001 و مقدار آماره تی بیشتر از 1/96 می‌باشد و باتوجه به اینکه حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می‌باشد، این به معنای بزرگتر بودن میانگین این متغیر از عدد 3 است. لذا فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت: بین دیدگاه معلمان و مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

فرضیه ششم: بین دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد. برای بررسی این سؤال از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول 7- بررسی رابطه بین دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل دانش‌آموزان ابتدایی

فاصله اطمینان	اختلاف میانگین	میزان معناداری	انحراف معیار	میانگین	آماره t	دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل دانش آموزان ابتدایی
						بالا
0/348	0/494	0/421	0/00	0/526	3/421	11/324

با توجه به جدول (7) از آنجایی که سطح معناداری کمتر از 0/001 و مقدار آماره تی بیشتر از 1/96 می باشد و از آنجا که حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می باشد، این به معنای بزرگتر بودن میانگین این متغیر از عدد 3 است. لذا فرض صفر رد می شود. به عبارتی می توان گفت: بین دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین دیدگاه معلمان و مدیران و یادگیری دانش آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد. برای بررسی این سؤال از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول 8- بررسی رابطه بین دیدگاه معلمان و مدیران و یادگیری دانش آموزان ابتدایی

فاصله اطمینان	اختلاف میانگین	میزان معناداری	انحراف معیار	میانگین	آماره t	دیدگاه معلمان و مدیران و یادگیری دانش آموزان ابتدایی
						بالا
0/917	1/102	1/010	0/00	0/660	4/010	21/628

با توجه به جدول (8) از آنجایی که سطح معناداری کمتر از 0/001 و مقدار آماره تی بیشتر از 1/96 می باشد و از آنجا که حد پایین و بالا برای این متغیر مثبت می باشد، این به معنای بزرگتر بودن میانگین این متغیر از عدد 3 است لذا فرض صفر رد می شود. به عبارتی می توان گفت: بین دیدگاه معلمان و مدیران و یادگیری دانش آموزان ابتدایی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج در فرضیه اول نشان داد آموزش هنر بر قدرت تحلیل در دانش آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران تأثیر دارد. لذا می توان بیان داشت آموزش هنر بر قدرت تحلیل اثر معنی دار و مثبتی دارد. در مورد نتیجه این فرضیه می توان گفت که تاکنون تحقیقی مبنی بر تأثیر آموزش هنر بر قدرت تحلیل دانش آموزان در ایران انجام نشده است.

نتایج در فرضیه دوم نشان داد که آموزش هنر بر خلاقیت در دانش آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران تأثیر دارد. لذا می توان بیان داشت آموزش هنر بر خلاقیت اثر معنی دار و مثبتی دارد. یافته های این پژوهش با جواهری پور و همکاران (Javaheripour et al., 2020) در تأثیر آموزش هنرهای تجسمی، عباسعلی زاده و اسماعیل پور (Pakizeh, 2015) در تلفیق تأثیر هنر بر خلاقیت و یادگیری، پارکر (Parker, 2018) در تأثیر آموزش هنرهای بصری بر مهارت های تفکر خلاق و هیترو و مورفیلد لانگ (Heather & Moorefeild- Lang, 2018) در تأثیر آموزش هنر بر انگیزش تحصیلی، خوداثر بخشی و خلاقیت دانش آموزان همخوانی دارد.

نتایج در فرضیه سوم نشان داد که آموزش هنر بر یادگیری در دانش آموزان ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران تأثیر دارد. لذا می توان بیان داشت آموزش هنر بر یادگیری اثر معنی دار و مثبتی دارد. یافته های این پژوهش با باقری فر و همکاران (Bagherifar et al., 2018) که به بررسی یادگیری دانش آموزان در مدرسه پرداختند، همخوانی دارد. در این تحقیق نشان داده شد که یادگیری، یک فرایند است نه نتیجه، یادگیری هدفمند و جهت دار است. نتایج یافته ها هم چنین نشان داد، یادگیری اساس رفتار افراد را تشکیل می دهد از طریق یادگیری فرد با محیط خود آشنا می شود، در مقابل محیط ایستادگی می کند، از محیط برای تأمین احتیاجات خود استفاده می نماید، گاهی محیط را تحت تسلط و فرمان خود در می آورد و زمانی خویشتن را با آن سازگار می سازد. حیات هر فرد در زمینه اجتماعی، عقلانی، عاطفی و تا اندازه ای

بدنی مربوط به قدرت یادگیری آن فرد و وابسته به تغییراتی است که فرد از طریق یادگیری در خود به وجود می‌آورد. توجه به اصول یادگیری در فعالیت‌های تربیتی شرط اساسی موفقیت مربیان است.

یافته‌ها در فرضیه چهارم نشان داد که بین آموزش هنر و دیدگاه معلمان و مدیران رابطه مستقیم وجود دارد. به عبارتی می‌توان گفت: بین آموزش هنر و دیدگاه معلمان و مدیران رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. این یافته با پژوهش جواهری پور و همکاران (Javaheripour et al., 2020)، عباسعلی زاده و اسماعیل پور (abbasalizadeh & Esmailpour, 2017)، تقی زاده (Taghizadeh, 2015)، پارکر (Parker, 2018) که تأثیر آموزش هنرهای بصری را بر مهارت‌های تفکر خلاق دانش‌آموزان نشان داد و هیترو و مورفیلد لانگ (Heather & Moorefeild- Lang, 2018) که به بررسی رابطه آموزش هنر با انگیزش تحصیلی، خوداثر بخشی پرداختند، همخوانی دارد.

یافته‌های فرضیه پنجم نشان داد که بین دیدگاه معلمان و مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد. به عبارتی می‌توان گفت: بین دیدگاه معلمان و مدیران و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. بر اساس نظریه آمابیل (Amabil, 1989) معتقد است، معلمان با بیان آزاد احساس خود مانند عشق، شادی و کنجکاوی به امور، می‌توانند الگوی مناسبی برای دانش‌آموزان در پرورش و ایجاد خلاقیت باشند. هم‌چنین با پژوهش‌های پارکر (Parker, 2018)، یوسفی افراشته و همکاران (Yousefiafrashteh et al., 2010)، پاکیزه (Pakizeh, 2015)، جهانیان (Jahanian, 2016)، کیزوری و همکاران (Keyzouri et al., 2017)، جواهری پور و همکاران (Javaheripour et al., 2020) همخوانی دارد.

نتایج فرضیه ششم بیانگر این بود که بین دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد. به عبارتی می‌توان گفت: بین دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. مطالعات صورت گرفته ضمن تأیید اصول مطرح شده در ادبیات موضوع، بر رابطه دیدگاه معلمان و مدیران و قدرت تحلیل دانش‌آموزان تأکید می‌کند. نتایج حاصل از آزمون‌های کمی نشان‌دهنده آن است که حضور دانش‌آموزان در فضای هنری باعث افزایش قدرت تحلیل ایشان شده است، از این رو می‌توان رابطه معناداری را میان حال و هوای هنری کلاس درس و افزایش قدرت تحلیل پیش‌بینی نمود. نتایج حاصل از تحقیق به صراحت تأکید می‌کند که باید از هنر به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در بهبود کیفیت کلاس‌های درس استفاده کرد. در خصوص رابطه تأثیر مستقیم آموزش هنر بر قدرت تحلیل دانش‌آموزان تاکنون تحقیقی در ارتباط با ارتباط با این دو مؤلفه در ایران انجام نشده است.

نتایج در فرضیه هفتم نشان داد که بین دیدگاه معلمان و مدیران و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم وجود دارد به عبارتی می‌توان گفت: بین دیدگاه معلمان و مدیران و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. با توجه به یافته‌های استنباط شده در این فرضیه این نتیجه استنباط می‌گردد که یادگیری یکی از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین مباحث روان‌شناسی است. فرهنگ، آموزش و پرورش، آداب و رسوم و راه و رسم زندگی هر ملتی در پرتو یادگیری شکل و نظم مشخصی به خود گرفته است. در واقع پیشرفت‌های علمی، ادبی، هنری، اجتماعی، اقتصادی آموزش‌های دینی، اخلاقی و مانند اینها بر اثر پیشرفت‌های یادگیری راه کمال پیموده‌اند. در جهان امروز هر کشوری که نظام یادگیری و آموزشی پیشرفته تری دارد، نیرومند تر و کامیاب تر است. یادگیری پایه و مایه اساسی رفتار و کردار آدمی است. در جریان یادگیری نقش اساسی به عهده معلم است. این یافته با پژوهش تقی زاده (Taghizadeh, 2016) و پاکیزه (Pakizeh, 2015) همسو می‌باشد.

به طوری کلی یافته‌های این مطالعه فرضیه اصلی پژوهش را نیز تأیید کرده است. پژوهش لافینگ (Luftig, 2000) نیز نشان داد که اگر هنر در هسته برنامه درسی و فعالیت‌های مدرسه قرار بگیرد به افزایش خلاقیت دانش‌آموزان منجر می‌شود. هم‌چنین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش یورک وینی (Yorke viney, 2007) که نشان داد افرادی که در مدارس که آموزش‌ها و فعالیت‌های هنری گسترده را ارائه می‌دهند، تحصیل می‌کنند، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت بیشتری دارند، همخوان می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان بیان کرد که چگونه آموزش و تدریس در مدارس نقش مهمی در تحقیق اهداف، و افزایش بهره‌وری از توانایی‌های دانش‌آموزان دارد. لذا با توجه به این یافته‌ها پیشنهادها ذیل به معلمان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش ارائه می‌شود:

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

– توجه ویژه و دقیق به انتخاب معلمانی با سوابق و علایق هنری و تلاش برای پرورش مهارت‌های تدریس کارآمد هنر، افزایش ساعت درسی هنر به بیش از 45 دقیقه کنونی و در حد امکان تا 2 ساعت و بازبینی محتوای برنامه درسی هنر و سعی در اصلاح و کاربردی نمودن آن؛

—برنامه‌های هنری برای دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی در برنامه آموزشی هفتگی متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای سنی آنها توسط صاحب‌نظران و کارشناسان ذی‌ربط تهیه و تدوین شود و جهت اجرا به مدارس ابلاغ گردد.

—تشکیل نمایشگاه از آثار هنری دانش‌آموزان در مدارس به مناسبت‌های گوناگون در طول سال تحصیلی به منظور تشویق دانش‌آموزان به فعالیت‌های هنری و خلاقانه؛

—سازماندهی فعالیت‌های پرورشی در مدارس ابتدایی با بهره‌گیری از قالب‌های متنوع هنری که بر جذابیت فعالیت‌های پرورشی بیفزاید و برگزاری مسابقات در رشته‌های مختلف هنری و تجلیل و تقدیر شایسته از برگزیدگان در مدارس؛

—آموزش منسجم و مستمر مربیان و معلمان مدارس در زمینه شناخت، بررسی و انتخاب آثار هنری ویژه کودکان و نوجوانان در قالب آموزش‌های ضمن خدمت و ارایه اطلاعات و مطالعات و تجربیات آموزشی کشورهای دیگر در زمینه تربیت هنری.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تأمین شد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Abbas Alizadeh, H., Ismailpour, A. (2017). Investigating the effect of art on the growth and creativity of elementary school students, *Quarterly Journal of New Research in Humanities*, 110-97, 3. [Inpersian]
- Amini, M. (2018). *Art education in the field of education*, Tehran: Ayizh Publications. [Inpersian]
- Bagherifar, A., Khodayjoo, A., Shiranzehi, R., Razmi, Z., Moghaddam elam Dashti, S. (2018). A study of students' learning in school, *The sixth scientific conference on educational sciences and psychology of social and cultural injuries in Iran*. [Inpersian]
- Elementary Art Curriculum Guide (2011). *Ministry of Education, Educational Research and Planning Organization*. Office of planning and writing textbooks for general and theoretical courses. [Inpersian]
- Fountain, H. L. R. (2007). *Using art to Differentiate Instruction: an Analysis of It's Effect's on Creativity and the Learning Environment*. Unpublished Doctoral Dissertation: Purdue University.
- Gholamrezaei, H., Aghaei, H., Abedini, I., Lashkari, H., Amini, H. (2015). The effectiveness of creativity-based teaching method in art course on the level of creativity of elementary students, *National Conference on Primary Education*, Volume 1. [Inpersian]
- Grierson, E. (2011). Art and creativity in the global economies of education. *Educational Philosophy and Theory*, 43(4), 336-350.
- Heather, M., & Moorefield-Lang, (2018). *The Relationship of Arts Education to Student Motivation, Self-Efficacy, and Creativity in Middle Schools*, Unpublished Doctoral Dissertation: University of North Carolina.
- Hosseinzadeh, Sh. (2014). *Examining the structure and content of a standard educational package for teaching elementary school art according to the areas of cognitive learning*. Master Thesis in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. [Inpersian]
- Javaheripour, I., Abbasi, E., Kian, M., Hassanpour, M. (2020). Investigating the effect of implementing art education curriculum with a focus on visual arts on the level of creativity in elementary schools in Chalous, *7th National Conference on Modern*

Studies and Research in the field of humanities, management and entrepreneurship in Iran, 11-1. [Inpersian]

Jahanian, R. (2015). Factors Affecting the Development of Creativity in Primary School Students in Alborz Province, *Innovation and Creativity in the Humanities*, 6 (2), 202-175. [Inpersian]

Jean, C. (2013). Creativity art and Learning: A psycho-social exploration of uncertainty, *International Journal of Art and Design Education*, Vol.32, No. 1, Pp.33-43.

Kargozar, M., Qabouk, H., Al-Daghi, A.(2019), A Comparative Study of Art Curriculum in Primary School in Iran and Japan, *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 18 (69), 138-113. [Inpersian]

Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling*, 2nd ed. New York: Guilford.

Kazempour, I. (2016). The effect of integrated art education in mathematics on students' learning and creativity, *initiative and creativity in the humanities*, 6 (1), 90-73. [Inpersian]

Karami, Gh. H., Abedi, M. (2017). A Look at the Dimensions and Functions of Art Education, *Psychological Development*, 6 (2), 188-169. [Inpersian]

Karimi, A.(2018). *The role of art in educational activities. The view of the Ministry of Education*, No. 20. [Inpersian]

Keyzori, A. H., Rezaei Vala, M. R., Moghaddam, Z., Masoumi, F.(2017). The effect of school factors in fostering students' creativity, *The second international conference and the fourth national conference on management research and humanities*,: 1-9. [Inpersian]

Laal Haqqani, M.(2020). *Investigating the effect of animation on learning and analysis power of primary school students in Esfarayen city from the perspective of teachers*, thesis for receiving a master's degree in educational management, Islamic Azad University of Bojnourd. [Inpersian]

Luftig, Richard L (2000).An Investigation of an Arts Infusion Program on creative Thinking, and Art Appreciation of children at Three GRADE levels .*Studies in Art Education*, 41(3), Pages 208-227.

Mohammadzadeh,S. Z.(2014). The effectiveness of art education based on creativity cultivation techniques on the growth of creativity of third grade elementary school students in Birjand, *12th National Conference on Curriculum Change, Iranian Curriculum Studies Association*, University of Tehran. [Inpersian]

Mehr Mohammadi, M.(2014). *What, why and how general art education*, Tehran: Madrese Publications. [Inpersian]

Newton, D. P., & Donkin, H. (2011). Some notions of artistic creativity amongst history of art students acquired through incidental learning. *International Journal of Education through Art*, 7(3), 283-298.

Pakizeh, A. (2015). Investigating the effect of integrated art teaching method on creativity and learning of first grade male students, Development of Jundishapur Education, *Quarterly Journal of Medical Education Studies and Development Center*, 6 (1), 60-52. [Inpersian]

Parker, J. (2018). *The Impact of Visual Art Instruction On Student Creativity*. Unpublished Doctoral Dissertation: Walden University.

Rokni, M., Zadeh Mohammadi, Ali., Nawabi Nejad, Sh. (2015). Evaluation of the effectiveness of painting therapy on creativity and social development of 4- to 6-year-old children, *Innovation and Creativity in the Humanities*, 5 (3), 196-173. [Inpersian]

Sortiji Okarkayi, A. A., Rastegarpour, H. (2011). The Relationship between Art Education and the Approach to Innovation and Art Education and Creativity of Fifth

Grade Students in Iranian Elementary Schools in the 88-87 Academic Year, *Innovation and Creativity in the Humanities*, 1 (3), 27-27. [Inpersian]

Seif, A. A. (2014). *Psychology of Modern Development*, Tehran: Doran Publishing. [Inpersian]

Sharafi, H. (2010). Educational needs of teachers and planners in the elementary art curriculum. *jelveye of Art*, 1 (1), 86-73. [Inpersian]

Shaari Nejad, A. A. (2015). *Psychology of Education and Teaching*, Tehran: Information Publications, Second Edition. [Inpersian]

Trasby, D. (2014). *Economics of Cultural Policy*, translated by Susan Alaei, Tehran: Surah Mehr Publishing. [Inpersian]

Taghizadeh, A. R. (2015). The Role of Art in the Education of Primary School Children, *Congress of Islamic Sciences (Humanities)*, Volume 1. [Inpersian]

Yorke viney, S. A. (2007). *An Examination of the Effectiveness of Arts Integration in Education on Student Achievement, Creativity and Self Perception*, Unpublished Doctoral Dissertation: Marywood University.

Yousefi Afrashteh, M., Sheikhi Fini, A.A., Muzaffari S., Sultan, H., Rashidi, M. (2012). The effect of effective art education in fostering students' creativity, *Journal of Educational Sciences*, Shahid Chamran University of Ahvaz, 6 (19), 21, 66-47. [Inpersian]

Zadeh Mohammadi, A. (2016). *Art therapy (introductions to specific art therapy of groups)*. Tehran: Drop Publishing. [Inpersian]

